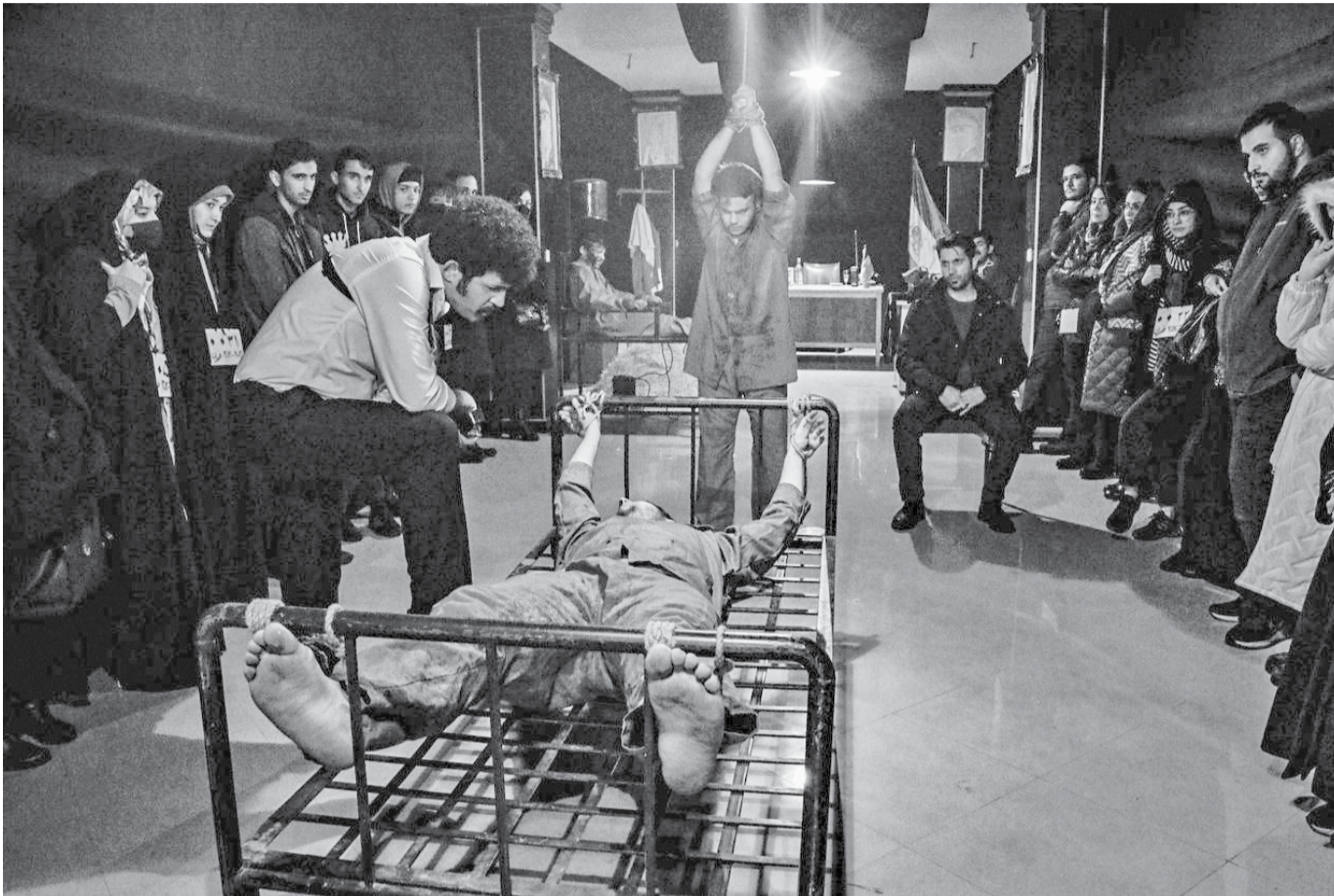


فرهنگ



گفت و گو با میلاد جباری کارگردان نمایش «جهنم سرد»

وقتی نسل جوان حاضر در اغتشاشات به تماشای یک تئاتر انقلابی نشست

این مشکل اینطوری حل می‌شود و به قانون تبدیل می‌شود.

ما در کشورمان تئاتر درمانی نداریم من درصدد هستم که به کمک دوستان روانشناس، برای اولین بار در کشور، یک کلینیک تئاتر درمانی بنا کنم.

از سال ۱۳۹۴ در باغ موزه قصر، پژوهش درباره تئاتر موزه را شروع کردم. با نزدیک به ۳۰۰ زندانی سیاسی قبل از انقلاب، با تفکرات مختلف صحبت کردم و حاصل آن شد اولین موزه زنده ایران که در موزه قصر با عنوان نمایش کاربردی زمان در حبس قصر روی صحنه رفت. سال اول من با سر، زمین خوردم، چون مدیران ما تعریفی از این ساختار نداشتند. ۱۰ سال است که می‌جنگم برای این. تئاتر کاربردی، تبیینی‌ترین ساختار تئاتر در دنیا است و از آن بهره می‌برند. دو سالی وقفه انداختم و دوباره به تئاتر صحنه مرسوم برگشتم و در تالار وحدت اجرایی داشتیم با عنوان رؤیای شب دهم اردیبهشت. سال ۹۷ جناب آقای نادر برهانی مرند در دهه فجر من را دعوت کرد و گفت یک کاری داشتی یک شکلی بود! کمک می‌کنم آن را در بخش میهمان بیاورید با همکاری آقای برهانی مرند، بخشی را به جشنواره فجر اضافه کردیم به عنوان دیگر گونه‌های اجرایی که در این سال‌ها بود و متأسفانه نمی‌دانم چرا امسال آقای زارعی این بخش را حذف کرد. البته من انتقاد را به ایشان کردم و ایشان گفت کسی نیست جز خود تو و چند تا دانشجو.

این روند باید تبدیل به یک جریان بشود، به واسطه این آثاری که تا به امروز در موزه انقلاب اسلامی ساختم مخاطبینی داشتم که باورتان نمی‌شود، اینها پول بدهند و کار انقلابی ببینند. من مخاطب اتوبوسی و سفارشی نداشتم، شب‌هایی در اجرای جهنم سرد، ۱۷۰ مخاطب داشتم، هیچ کدام‌شان دعوتی نبودند، ما به این رسیدیم که این روند برای مخاطب بسیار جذاب است. اتاق فرار، بخش بسیار کوچکی از تئاتر کاربردی است. آنجا چقدر تلورانس مالی دارد؟! هرکسی اتاق فرار می‌رود، راضی است، ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومان می‌دهند برای مدت نیم ساعت.

وقتی تماشاچی چشم بسته وارد زندان می‌شود!

تئاتر جهنم سرد، مخاطبان جوان بسیاری داشت که در اوج اغتشاشات آمدند و کار انقلابی دیدند. خواندن تاریخ برای مخاطب جوان امروز کسل‌کننده است. ما تلاش کردیم اینها تاریخ را لمس کنند. در جهنم سرد، وقتی که با چشم بسته وارد یک زندان می‌شوید، شما را در یک فرایندی قرار می‌دهند تا حس کنید، یک زندانی هستید. آژان‌ها و بازجوها با تو مثل یک زندانی برخورد می‌کنند و تو در دل ماجرا قرار می‌گیری! برعکس تئاتر مرسوم روی صحنه یا در خیابان که حاصل تفکر و خواسته یک کارگردان است. یعنی من می‌خواهم مخاطب این را دریافت کند بدون تغییر و دست خوردگی. هرچقدر در انتقال آن موفق عمل کنم، کارگردان خوبی هستم. اما در تئاتر کاربردی اینچنین نیست. تسهیلگر (کارگردان) فرایند داستانی را ایجاد می‌کند که در نهایت آن چیزی که نتیجه فرایند، در ذهن مخاطب است از داستان دریافت می‌شود. در تئاتر کاربردی هیچ چیزی قابل پیش‌بینی نیست یعنی هر اتفاقی می‌تواند بیفتد چون مخاطب همراه تو بازی می‌کند، سؤال می‌کند و شما باید جواب سؤال را داشته باشید در فرایندی که برای آن ایجاد کردید به همین سبب همه بخش‌های ساخت و تولید در تئاتر کاربردی سخت است مثلاً: مدیر تولید من سرکار خانم خلدی روند تولید را باید هر روز مدام چک کند در صورتی که در تئاتر صحنه این‌گونه نیست. مدیر تولید یک بخشی از کار را انجام می‌دهد و خداحافظ. ایشان باید هر روز براساس نیاز تماشا بازیگر شرایط را تأمین کند. در تئاتر کاربردی بداهه نداریم دایره لغاتی را باید بازیگر بلد باشد که براساس آن دایره لغات و یک پشتوانه مطالعاتی برای نقشی که دارد انجام می‌دهد، تا بتواند پاسخگوی

کند و نه کتاب راهنمایی بوده که راهنمای بچه‌داری باشد و به نوعی ما تألیفی در حوزه تئاتر کاربردی نداریم کلاً دو ترجمه داریم، که یکی را آقای علی‌ظفر قهرمانی نوشته است. ما رشته دانشگاهی و مجزا در تئاتر کاربردی نداریم. در دنیا از تئاتر کاربردی و شاخه‌های مختلف آن پول در می‌آورد، شاخه‌های مختلفی در تئاتر کاربردی داریم، مثلاً: تئاتر میراث یا تئاتر موزه است که ما در جهنم سرد آن را انجام می‌دهیم و دیگری تئاتر درمانی و تئاتر قانونگذار و تئاتر زندان‌ها است و دیگری تئاتر خاطره و تئاتر رنگین‌کمان است که هرکدام از اینها خاصیت‌هایی دارند و زیر مجموعه‌هایی مثل تئاتر شورایی... به واسطه تئاتر شورایی و قانونگذار در یک سری از کشورها قوانین شهرنشینی را در شورای شهر و مجلس سنا و ملی، تثبیت می‌کنند.

و یا برای مردم قانون را ملموس می‌کنند. احسنه، دقیقاً، مردم در یک تئاتر شورایی برای قانونگذاری شرکت می‌کنند و مشکلات را شبیه‌سازی می‌کنند و طبق یک جمع‌بندی به نظراتی می‌رسند که

که در گروه جوان من هم مهاجرت داشتیم و هم فردی که الان در اسنپ کار می‌کند.

اینجا یک سؤال برای من پیش آمد، این دوستانی که مهاجرت کردند آیا خارج از ایران به کار تئاتر مشغول شده‌اند یا نه فقط به خاطر دغدغه نان رفته‌اند؟

نه متأسفانه، آنجا واقعاً فرش قرمز برایشان پهن نکرده‌اند. که اینها سریع سرکار بروند و تئاتری را شروع کنند، هرکشوری برای خودش بروکراسی و ساختار خودش را دارد و قطعاً مشقت‌هایی را باید تحمل کنند تا شاید به اجرایی برسند! تئاتر کاربردی یک خاصیت جدی دارد، نجات‌دهنده مسأله اقتصادی در تئاتر است. من نزدیک به ۱۰ سال است که وقت گذاشتم برای تحقیق و پژوهش و بررسی اینکه چه باید بکنیم که این اتفاق در کشور ما رایج بشود. من در این سال‌ها پنج اثر تئاتر کاربردی ساختم و مثل یک بچه نوپا که مادر دست‌اورا می‌گیرد، این بچه را بزرگ کردم. بچه‌ای که نه بزرگتری داشت که آن را راهنمایی

میلاد جباری مولانا هستم. نویسنده کارگردان و تسهیل‌کننده تئاتر کاربردی. در همه‌جای دنیا و به‌طور خاص در کشور عزیزمان تئاتر خیلی برای عموم مردم نیست البته در کشورهای اروپایی به واسطه تئاتر کاربردی و شاخه‌های مختلف آن تئاتر را کم مردم‌تر است. برای مردم کوچه و بازار و کف خیابان. چرا؟ چون هدف تئاتر کاربردی تغییر دادن مسیر زندگی است، در صورتی که هدف تئاتر مرسوم، تفسیر زندگی است. ما در تئاتر کاربردی مخاطب را تماشا بازیگر می‌نامیم. یعنی بخشی از کار را به عنوان تماشا بازیگر به عهده مخاطب می‌گذاریم و همین موضوع باعث شده است که بگوییم؛ تئاتر کاربردی هدفش تغییر زندگی است نه تفسیر زندگی.

در کشور عزیزمان متأسفانه مشکلات اقتصادی و گاهی عدم فرهنگ‌سازی مخاطب تئاتر محدود است، که اعم از دانشجویهای تئاتر یا امثالهم هستند. از کرونا به این سمت مشکلات اقتصادی باعث شده است که خیلی از تئاتری‌ها درگیر مشغله زندگی و مسائل اقتصادی بشوند و یا حتی از کشور مهاجرت کنند،

مریم اسدزاده
خبرنگار



جهنم سرد، نمایشی بود که هفته گذشته اجرای آن پایان یافت. سن این تئاتر، موزه عبرت بود. جایی که محل شکنجه زندانیان ساواک بوده و در زمان پهلوی به آن کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک می‌گفتند. این نمایش در ژانر تئاتر کاربردی قرار می‌گیرد، در این نوع از نمایش، مخاطب به‌جای نشستن روی صندلی‌های سالن، در نمایش نقش دارد و تماشا بازیگر است و لحظاتی که صحنه در حال اجراست، را زندگی و لمس می‌کند. به بهانه اجرای تئاتر جهنم سرد، با کارگردان این اثر به گفت‌وگو نشستیم.

جهنم سرد نوآوری جدیدی در اجرای تئاتر در ایران بود، لطفاً درمورد تئاتر کاربردی توضیح دهید، و بفرمایید آیا این فرم در کشورهای دیگر هم اجرا می‌شود یا شما مبدع آن هستید؟

